



بحران قره‌باغ و نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تنش‌زایی ترکی، مدیریت روسی/جعفر خاشع

در این جنگ چند روزه ارتش جمهوری آذربایجان به گفته مقامات این کشور توانست با اتکا به تجهیزات مدرن چند تپه استراتژیک و یک روستا را از کنترل نیروهای ارمنستان خارج سازد.

آران نیوز: در فاصله دوم تا ششم آوریل 2016 آتش‌بس 22 ساله قره‌باغ، ظرفیت‌هایش برای تبدیل شدن به جنگی تمام‌عیار را آشکار ساخت. هر چند که درگیری‌های سنگین مذکور به سرعت به آتش‌بس منتهی شد اما شرایط بحران قره‌باغ را پس از انجمادی دو دهه‌ای دستخوش دگرگونی‌هایی مهم کرد. که آشکارترین نمود آن برهم خوردن موازنه نظامی بین دو جمهوری، به نفع باکو بود. در این جنگ چند روزه ارتش جمهوری آذربایجان به گفته مقامات این کشور توانست با اتکا به تجهیزات مدرن چند تپه استراتژیک و یک روستا را از کنترل نیروهای ارمنستان خارج سازد. وقتی نتیجه جنگ را در کنار ابعاد و زوایای مبهم و پنهان آن از جمله چرایی شروع و شدت‌گیری درگیری، چرایی کوتاه و محدود بودن آن، و همچنین تأثیرات این مناقشه بر دیگر بحران‌های منطقه، بررسی شود آنگاه طرح این ادعا که جنگ چهار روزه با برنامه‌ریزی قبلی و برای رسیدن به اهدافی مشخص برنامه‌ریزی و عملیاتی شده بود به هیچ‌وجه دور از واقعیت نخواهد بود. در این بین بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در این درگیری‌ها و پایان موقت آن و گمانه‌زنی در مورد دینامیک‌های آینده‌ی این بحران خارج شده از وضعیت ایستا، با عنایت به مولفه‌های پرشمار متداخل از اهمیت بالایی برخوردار خواهد شد. بررسی تکاپوهای حاکمیت جمهوری آذربایجان حاکی از آن است که در چند ماه منتهی به جنگ چهار روزه آوریل 2016، حکومت باکو با همراهی برخی کشورها دو روند را همزمان به پیش برد تا شرایط را برای یک درگیری محدود اما موثر آماده سازد. در ماه‌های اخیر دولت جمهوری آذربایجان بر تلاش‌هایش برای محکومیت ارمنستان در مجامع بین‌المللی از جمله مجمع پارلمانی شورای اروپا و انتقادات مستقیم از گروه مینسک افزود. به موازات این تکاپوهای دیپلماتیک، نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان، مواضع خود در خطوط تماس با نیروهای ارمنی را تقویت نمودند. جیمز کلیپر، مدیر اطلاعات ملی آمریکا در 31 ژانویه 2016 در گزارش سالانه‌اش به کنگره در مورد تهدیدات جهانی پیش‌بینی کرد که «تنش بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال 2016 افزایش خواهد یافت» وی افزود: «وضعیت فعلی بسیار دور از صلح است و به جنگ نزدیک است». همچنین اوایل سال جاری میلادی پایگاه اینترنتی استراتفور در گزارشی اعلام نمود جمهوری آذربایجان در حال تقویت استحکامات نظامی خود در فراز کوه «اودان داغی» در منطقه گازاخ در مرز با ارمنستان است، اقدامی که موید افزایش احتمال درگیری در این نقطه مرزی بین دو کشور است. البته به موازات مسایل داخلی، برخی تحولات و رقابت‌های منطقه‌ای نیز تأثیر بسزایی در شروع این جنگ چند روزه داشت. که در این بین بیشتر توجه‌ها معطوف به بازیگری روسیه و ترکیه در این ماجرا بود.

در حالی که استدلال‌هایی که برای سناریوی روسی این جنگ طرح می‌شود در نگاه اول چندان دور از واقعیت نیستند، ولی با کمی تعمق می‌توان پی برد روسیه با حفظ وضع موجود در مناقشه قره‌باغ نیز می‌تواند اهداف خود در منطقه را دنبال کند. علاوه بر این تلاش مقامات مسکو از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر خارجه و وزیر دفاع روسیه برای برقراری دوباره آتش‌بس نیز موید این ادعا است که روسیه دست کم مایل به طولانی شدن این درگیری نبوده است. سرگئی شایگو، وزیر دفاع روسیه در طول درگیری‌ها بیش از 5 مرتبه با همتای جمهوری آذربایجانی خویش، ذاکر حسن‌اف، تلفنی صحبت نمود حتی سفری پنهانی به باکو انجام داد و در نهایت با فشار روسیه آتش‌بس مجدد برقرار شد. از طرف دیگر در مورد سناریوی ترکی این مناقشه شواهد و قراینی وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. نباید از خاطر برد که یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که سبب تشدید تمایل آنکارا برای تقویت بازیگری‌اش در قفقاز جنوبی شده است، تنش‌های جدی در مناسباتش با مسکو در چند سال اخیر و بالاخص از اکتبر 2015 تاکنون بوده است. شروع این تضاد منافع از بحران سوریه بود که در ماجرای اوکراین و الحاق کریمه به روسیه، تنش‌ها وارد مرحله جدیدی شد که در نهایت با مداخله نظامی رسمی روسیه در سوریه از اواخر سپتامبر 2015 و در پی آن اقدام جنگنده‌های ترکیه در سرنگون کردن بمب‌افکن روسیه در 24 نوامبر 2015 به اوج خود رسید و کماکان مناسبات دو کشور را در شرایط بسیار بحرانی نگه داشته است. در چارچوب همین کشمکش جدی منطقه‌ای بود که ترکیه راهبرد تشدید تحرکات خویش در جمهوری آذربایجان و گرجستان را با اهداف گوناگون ایدایی علیه مسکو در دستور کار قرار داد. محور اصلی این طرح تحریک و تهییج باکو بر علیه منافع روسیه و جذب گرجستان برای شکل دادن محور آنکارا - تفلیس - باکو در برابر مسکو، ایروان و تهران بود. در این میان در دسترس‌ترین دستاویز برای تحمیل هزینه به روسیه، مناقشه قره‌باغ بود. شواهد این رویکرد را می‌توان در دیدارها و مناسبات روسای جمهوری آذربایجان و ترکیه در ماه‌های اخیر دنبال کرد. به گزارش رسانه‌های ترکیه قرار بود در 29 بهمن 1394 رجب طیب اردوغان به‌همراه هیاتی بلندپایه (ده وزیر و مقام ارشد دولت ترکیه) به شهر گنجه جمهوری آذربایجان سفر کند. رسانه‌های جمهوری آذربایجان اعلام نمودند انتخاب شهر گنجه برای انجام این دیدار تصادفی نیست و آن‌را به یک ماجرای تاریخی گره زدند: «در ماه مه 1918 نوری پاشا رهبر جمهوری دموکراتیک آذربایجان در رأس ارتش ترکیه وارد شهر گنجه شد و اولین جمهوری دموکراتیک در شرق اسلامی را تأسیس نمود. (در حالی‌که محمدمامین رسولزاده بنیانگذار و رئیس دولت موسوم به جمهوری دموکراتیک آذربایجان بوده است و این ادعا در برکشیدن نقش تاریخی یک فرمانده نظامی ترک در عمل تحریف تاریخ روایت دولتی و رسمی شکل‌گیری جمهوری آذربایجان به وسیله خود جمهوری آذربایجانی‌ها می‌باشد) بنابراین بازدید اردوغان از گنجه دارای ارزش نمادین است که نشان می‌دهد که ترکیه مثل صد سال پیش حامی استقلال جمهوری آذربایجان است.»

این دست‌گزارشات در آن روزها سوالاتی را به پیش می‌کشید: اردوغان می‌خواست کجا را فتح کند؟ قضیه از چه قرار است؟ اما اکنون شاید بتوان مصادیق آن سفر نمادین که البته انجام نشد را در مواضع ترکیه در خلال جنگ چهار روزه جستجو کرد. در 25 اسفندماه 1394 بعد از لغو دوباره‌ی سفر رئیس‌جمهور ترکیه به جمهوری آذربایجان به‌دلیل انفجار بمب در ترکیه، رئیس‌جمهور آذربایجان منتظر تعیین موعد بعدی برای سفر اردوغان نماند و شخصاً در راس هیاتی بلندپایه به ترکیه سفر کرد. یکی از اسناد امضا شده در این سفر پروتکل «تبادل اجتماعی - فرهنگی» بین هیات‌های نظامی دو کشور بود. که با توجه به سند مزبور جمهوری آذربایجان می‌تواند برای اصلاح فساد و ارتقای توان نیروهای نظامی خود، ژنرال‌های ارتش ترکیه را استخدام نماید. انتشار امضای پروتکل تبادل اجتماعی - فرهنگی بین نیروهای نظامی دو کشور توجه زیادی را به خود جلب کرد. گمانه‌زنی موسسه تحقیقات نظامی خزر جمهوری آذربایجان، هدف از امضای پروتکل مذکور را خدمات کوتاه یا بلندمدت مقامات عالی‌رتبه نظامی دو کشور در خاک یکدیگر دانست. در حالی‌که پیشتر نیز همکاری‌های نظامی بین دو کشور در جریان بود و در مواردی نظیر نقش نیابتی ترکیه از سوی ناتو در ارتباط با جمهوری آذربایجان و برخی دیگر از کشورهای منطقه و یا طرح‌هایی نظیر ارتش مشترک کشورهای ترک‌زبان این‌دست مناسبات ابعادی فراملی نیز داشت اما توافق برای استخدام ژنرال‌های ارتش ترکیه توسط باکو، آن‌هم به‌صورت علنی، امری غیرمنتظره بود. موضع‌گیری‌های مقامات ترکیه بعد از مناقشه نیز همزمان بر حول دو محور حمایت از جمهوری آذربایجان و هشدار به روسیه می‌چرخید. مولود چاوش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه بعد از آغاز درگیری‌ها اعلام نمود مجامع بین‌المللی در مورد مناقشات منطقه سکوت کرده‌اند و قدم مثبتی بر نمی‌دارند قره‌باغ یکی از مناقشات در کنار مناقشه ترانس‌نیستریا در شرق مولداوی، مناقشه اوستیای جنوبی و آبخازیا و بحران

اوکراین است و ضرورت دارد بدان توجه شود.
در نهایت می‌توان گفت اراده‌ی آنکارا برای رویارویی با مسکو در قفقاز جنوبی در کنار تمایل باکو برای دستخوش تغییر کردن وضعیت مناقشه قره‌باغ منجر به بروز جنگ چهار روزه‌ای شد که اهدافی نظیر تحمیل هزینه بر روسیه، ایجاد تنش در روابط روسیه و ارمنستان، ساکت نمودن مخالفان داخلی جمهوری آذربایجان و قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در برابر بروز یک بحران جدی در جوار مرزهای این کشور، را دنبال نمود.
منبع: همشهری دیپلماتیک، نشریه سیاسی - تحلیلی، دوره جدید، شماره 91، خرداد و تیر 1395، ص 98-99